

نهادهای انسان ساز ارض اقدس



مهدیه مشهد و جمعی از اعضای آن. دهه ۳۰ قرن ۱۴ خورشیدی

رضاسلیمان نوری‌اتولد و گذران سه دهه عمر در مشهد باعث شده است اطلاعات استاد علامه محمدرضا حکیمی به‌عنوان یک فرد حوزوی درباره این شهر، چه از منظر شخصیت‌شناسی و چه جریان‌شناسی وقایع و رویدادهای مشهد در دهه ۲۰ تا اواخر ۲۰ قرن ۱۴ خورشیدی، بسیار غنی و ارزشمند باشد تا جایی‌که می‌توان ادعا کرد بازخوانی آنچه او درباره مشهد گفته است تاحد بسیاری مخاطب را با افراد و حلقه‌های دینی این شهر در این بازه زمانی آشنا می‌کند. او در نوشته‌های گوناگون خود به‌درستی به معرفی افراد و شخصیت‌های تأثیرگذار فکری و البته ادبی مشهد پرداخته است. آنچه در ذیل می‌خوانید برش‌هایی از نوشته‌های او درباره جریان‌های اسلامی و ادبی نزدیک مشهد در نیمه اول قرن گذشته است.



کانون نشر حقایق و شریعتی‌ها

فعالیت‌های دینی خود را از آموزش و پرورش آغاز کرد و پس از شهریور ۱۳۲۰ با تأسیس کانون نشر حقایق اسلامی، دامنه فعالیت را بگسترده و به سطح جوانان و دانشجویان کشاند. به کانون هم قناعت نوزید، بلکه جلاستی‌سیار در شهر برقرار کرد و از این کوی به آن کوی می‌رفت و جوانان را به دین خدا فرا می‌خواند و شبهات را پاسخ می‌گفت. دکترعلی شریعتی در محضر چنین پدری بالید و چنانکه خود می‌گفت پدرش نخستین سازنده ابعاد روحش بود و آنچه را باید سال‌ها با کوشش‌های مداوم می‌آموخت، ساده‌وار یگان از پدرش آموخت. با چنین پشتوانه‌ای خیلی زود به برگ و بار نشست و راه پدر را ادامه داد. دکتر شریعتی «خانه گلین علی» را - به تعبیر مکرر خودش - با چیزی عوض نکرد. از جمله اموری که شریعتی خوب آن‌ها را شناخت و شناساند، شخصیت امیرالمؤمنین^(ع) و حضرت فاطمه^(ع) و امام حسین^(ع) و حضرت زینب^(ع) بود؛

محمدرضا حکیمی باتوجه‌به آشنایی کاملی که با استاد محمدتقی شریعتی، دکتر علی شریعتی و طاهر احمدزاده و سایر بنیان‌گذاران «کانون نشر حقایق اسلامی» داشته، یکی از بهترین توصیف‌های خود از تشکل‌های فرهنگی سیاسی‌مشهد و شخصیت‌های تأثیرگذار این شهر را به این کانون اختصاص داده است. او در صفحات ۲۴۵ تا ۲۵۰ کتاب «سه یار خراسانی در انقلاب» چنین نوشته است: «کانون نشر حقایق اسلامی، پایگاهی فکری در خطه خراسان بود و همه چشم‌ها به آن دوخته [شده بود]. نه تنها جوانان و دانشجویان، بلکه شماری از طلاب و روحانیان جوان نیز گم‌شده خود را در کانون می‌جستند. در آنجا سخن از حقایق اسلامی بود؛ از اسلام ارتجاع‌دود و بی‌پیرایی، از قرآن و نهج البلاغه، از خدای عادل و جامعه عادل. استاد محمدتقی شریعتی مؤسس این کانون بود و چون چراغی سراسر خراسان را نور می‌پاشید. وی

مهدیه و عابدزاده

دیگر مجموعه‌ای که فعالیت‌های دین‌مدارانه‌اش در مشهد به شدت مورد توجه مرحوم حکیمی قرار گرفت «انجمن پیروان قرآن» به‌مدیریت حاج‌علی اصغر عابدزاده بود. البته از نگاه وی عمدۀ فعالیت‌های این تشکل در نخستین مهدهای ایران خلاصه شده بود و او در توصیف انجمن بیشتر به معرفی مهدیه و فعالیت‌های انجام‌شده در آن پرداخته است. حکیمی در صفحات ۱۸۸ تا ۱۹۱ کتاب «عقل سرخ» آورده است: «حاجی عابدزاده در همان سال‌ها، انجمنی دینی به نام «انجمن پیروان قرآن» تأسیس کرد که دارای شعبه‌هایی بسیار (ظواهر شصت شعبه) شد. او سپس از سرمایه شخصی خود به ساختن بنای مهدیه (در محله خیابان علیای مشهد، کوچه شمالی باغ نادری) اقدام کرد. این بنا به دلیل انتسایش به ساحت قدس حضرت ولی عصر، حجه بن الحسن المهدی «عج»، در مورد توجه خاص توده‌ها قرار گرفت و رونقی ویژه یافت. در این بنا شب‌ها کلاس‌های درس عربی دایر بود تا کسانی که

می‌خواهند از ادبیات عرب و زبان «قرآن کریم» آگاه شوند و روزها فرصتی ندارند، شب‌ها در این محل حاضر شوند و به تحصیل بپردازند و چنین هم بود و بسیاری در آنجا عربی آموختند و از وجود این بنای مذهبی بهره‌مند گشتند. در بنای «مهدیه» مراسم مذهبی نیز برگزار می‌شد، از جمله مجلس عزاداری ایام عاشورا عصرها که مردم بسیاری، از طبقات مختلف، در آن شرکت می‌کردند و بسیار باشکوه و با عظمت برگزار می‌شد و خود حاجی عابدزاده که منبری و سخنوری توانا نیز بود، به منبر می‌رفت و موعظه می‌کرد و گاه مرحوم مغفور، حاج عبدالرضا غنیان (از شخصیت‌های دینی محترم و متعدد مشهد مقدس و از امانی آستان قدس پس از انقلاب که سال ۱۳۷۰ خورشیدی درگذشت) که در آن ایام از برجسته‌ترین اعضای انجمن مزبور و از یاران نزدیک حاجی عابدزاده بود، با صوتی خوش و باوقاری خاص، به خواندن مرثیه می‌پرداخت، شب‌های شنبه نیز جلسه‌ای در «مهدیه» برپا بود که حاجی عابدزاده خود در آن جلسه

سخنرانی مختصری می‌کرد و شرکت‌کنندگان این جلسه اغلب اعضای خود انجمن بودند. در بنای «مهدیه» گاه‌گاه در اوقات مناسب، اطعام نیز می‌شد؛ همچنین از طریق انجمن و مرکز «مهدیه» گاه به محرومان اعانه‌هایی داده می‌شد. لیکن مشهورترین مراسم مذهبی که در بنای «مهدیه» برگزار می‌گشت و آوازه‌ای وسیع نیز داشت، جشن باشکوه نیمه شعبان بود. اعضای انجمن که بسیار بودند، شاید بیش از یک ماه برای آماده‌سازی «مهدیه» تلاشی گسترده می‌کردند و این بنای بزرگ را از دهنه وسیع کوچه که به خیابان متصل بود (خود کوچه پهن و باروح بود و درختان کهن اشن و چنارهای باغ نادری بر صفای آن می‌افزود)، تا انتهای «مهدیه» که مسیری و مساحتی بسیار بود، به‌صورتی مجلل و به سبک چراغانی‌های سنتی (طاق نصرت و تزییناتی از این‌گونه) با انواع آرایه‌ها می‌آراستند و آماده می‌ساختند. سپس با پیش دعوت‌نامه‌هایی آبرورمند، طبقات مختلف مردم به این جشن عظیم

دعوت می‌شدند. پذیرایی در چندین نوبت، با کیفیتی بسیار خوب و بسیار محترمانه انجام می‌یافت و از عصر روز چهاردهم ماه شعبان آغاز می‌گشت؛ سپس شب عید بعد از نماز، و روز نیمه شعبان، صبح و عصر و شب و همین‌گونه تا چندین نوبت و در هر نوبت طبق دعوت‌نامه‌هایی که توزیع شده بود، یک صنف و یک دسته از مردم شرکت می‌کردند و پذیرایی می‌شدند؛ فرهنگیان، دانش‌آموزان دبستان‌ها و دبیرستان‌ها، روحانیون، بازاریان، ازتشیان، کارمندان، ورزشکاران و ... در ضمن پذیرایی وزین و محترمانه، سرودهای مذهبی بسیار زیبا، با صوت پرلطف نوجوانان تمرین دیده خوانده می‌شد. از جمله مربیان این دانش‌آموزان سرودخوان، مرحوم دبیر فاضل و متعهد، شهید حسین آستانه‌پرست بود که در نخستین سال‌های پس از پیروزی انقلاب به شهادت رسید. به‌هنگام آغاز نهضت ملی شدن صنعت نفت به رهبری مرحوم آیت‌ا... کاشانی (م: ۱۳۴۰ ش) و مرحوم دکتر محمد مصدق

(م: ۱۳۴۶ ش)، بنای «مهدیه» مرکز فعالیت‌های بسیار گسترده و مؤثر گشت. این نهضت در مشهد مقدس به‌طور عمده از مسجد گوهرشاد آغاز شد و به‌وسیله روحانیون قوام یافت و سپس «جمعیت‌های مؤتلفه اسلامی» تشکیل گردید و بسیاری از هیئت‌های مذهبی و انجمن‌ها و جمعیت‌ها در این ائتلاف شرکت کردند. استاد محمدتقی شریعتی و یارانشان و اعضای «کانون نشر حقایق اسلامی» نیز که در نهضت شرکت داشتند به ائتلاف پیوستند و این ائتلاف عظیم به‌وسیله استاد محمدتقی شریعتی (م: ۱۳۶۸) و مرحوم حاج‌علی اصغر عابدزاده (م: ۱۳۶۵) و دیگران رهبری می‌شد و بنای «مهدیه» با درخششی خاص مرکز این نهضت بزرگ در خراسان بود؛ همچنین در حدود سال ۱۳۳۲ که شهید بزرگوار حضرت «سیدمجتبی نواب صفوی» (ش: ۱۳۳۴) با چند تن از فداییان اسلام به مشهد مشرف گشت و به بنای مهدیه وارد شد.»

حوزه علمیه مشهد

مرحوم حکیمی باتوجه‌به اینکه سال‌ها در حوزه مشهد درس خوانده و نزد بسیاری از بزرگان این حوزه شاگردی کرده بود، در یکی از نوشتارهای خود به معرفی بزرگان حوزه مشهد در چهار دهه نخست قرن چهاردهم خورشیدی پرداخت و بدین‌گونه به‌نوعی جایگاه این مجموعه را در بهبود شرایط دینی جامعه ایرانی نشان داد. او صفحات ۴۹ الی ۵۲ کتاب «مثاله قرآنی» را که در اصل در وصف میرزا مهدی اصفهانی است، به معرفی بزرگان حوزه مشهد اختصاص داده و آورده است: «در آن سال‌ها، چنان‌که اشاره‌ای گذشت، حوزه علمیه مشهد مقدس رضوی مملو بوده است از علم و عالمان و فکر و متفکران و بحث و بیان و تحقیق و تبیان... و منبرهای تدریس مفتخر و حوزه‌های درس منور به وجود بزرگانی چونان آقا بزرگ حکیم‌شهیذی، حاجی فاضل (حکیم) خراسانی، اشبخ اسد...، عارف یزدی، آمیرزاهدی شهیدی (فرزند آقا بزرگ حکیم، مدرس فلسفه)، آمیرزاحمد آقا زاده کفایی (مدرس خارج کفایه در سملعی بالا) حاج میرزا احمد مدرس یزدی، حاج آقا جلال مدرس (خوش‌نویس)، آمیرزا عبد الجواد ادیب نیشابوری اول (مدرس مشهور و بزرگ ادبیات و مربی فاضلان)، میرزا محمد باقر مدرس رضوی (پدر استاد سید محمدتقی مدرس رضوی)، شیخ حسن ادیب هروی (مدرس مشهور ادبیات)، ...، حاج شیخ محمود حلبی خراسانی، آشبخ مرتضی آشتیانی (عالم بزرگ)، آمیرزا جواد آقا تهرانی (صاحب میزان‌المطالب...)، ...، حاج سید ابوالحسن حافظیان مشهدی (از بزرگ‌ترین صاحب‌نفسان و استادان کم‌مانند روزگار در علوم غریبه و اسرار خفیه)، حاج شیخ حسین بجنستانی (مدرس متون فقهی)، حاج سید جواد خامنه‌ای،



حاج سید هاشم‌نصف آبادی میردامادی (صاحب تفسیر)، حاج سید صدرالدین صدر (از مراجع شیعه که در سال‌هایی چند که در مشهد مقدس ساکن بودند، از معتقدان و علاقه‌مندان به میرزای اصفهانی بودند، (این بنده ناتوان خدا، به نام مبارک آیت...، العظمی صدر، پدر دو نور نیز، حاج رضا صدر و امام موسی صدر، ذکر این عالمان را در این مقدمه به پایان می‌برم. اینان عالمانی بودند که در حوزه رضویه خراسان معاصر میرزا حضور داشتند و...، نکته مهمی که از این نوشتار می‌توان برداشت کرد جایگاه علمی این افراد در حوزه، از منظر مرحوم حکیمی است. وی با ذکر تخصص هر کدام از این بزرگان، پس از بیان نامشان نشان داده که در آن دوران حوزه مشهد میزبان همه اندیشه‌های مختلف موجود در حوزه فرهنگی سیاسی اسلام بوده است.

انجمن نگارنده

امام مرحوم حکیمی در کنار ذکر محافل و مجامع بزرگ اجتماعی و حوزوی وقت مشهد باتوجه‌به قریحه شاعری و ادبی که داشته بزرگ‌ترین محفل ادبی وقت شهر را هم فراموش نکرده است. او بر همین اساس صفحات ۲۰۱ تا ۲۰۶ کتاب «عقل سرخ» را به معرفی «انجمن ادبی سرگرد نگارنده» اختصاص داده و آورده است: «معلوم بود که ثبوت انجمن در یک جا بهتر بود، هم برای خود ما و هم شاعران دیار دیگر که همیشه می‌توانستیم بدون تغییر راه و نشانه در آنجا حاضر شویم. شاعران دیار دیگر نیز می‌توانستند با یک بار راهنمایی و حضور در جلسه در هر سفر خراسان به انجمن سر ببرند. این خواسته آن روز و روزگار اهل انجمن بود تا شور و همت مردی شاعر و شعر دوست و شعر شناس، آن را به سامان کرد و همه را به ترک سیارگی انجمن و ثابت بودن آن در منزل خویش فراخواند و دوستان به محفل نگارنده رو کردند و کانونی آکنده از صفا و حدیث‌های ذوق و ادب و شعر و شاعری برپا داشتند؛ جلسه‌ای که به هر هفته یک بار تشکیل شود، سریع‌العود است که گویی هر شب است به علت زود گذشتن ایام و این همان همت بود که چنین به نوبی بود، بی‌هیچ تردیدی یا اظهار فتوری. جلسه انجمن همیشه از ساعت ۷ بعد از ظهر روزهای شنبه تشکیل می‌یافت و تا ساعت ۹ به رسمیت باقی بود و بسیاری می‌شد که دوستان تا ساعت ۱۰ و بیشتر نیز نشسته بودند و همان داستان‌ها در میان بود. انجمن هم اعضای ثابتی داشت، هم اعضای متبدلی. شاعران سایر شهرها که در فصول مختلف سال - بیشتر در فروردین و مرداد و شهریور - به خراسان می‌آمدند نیز شرکت می‌کردند و هم برخی از شخصیت‌های علمی دیگر و هم گروهی از استادان و سال‌خوردگان راه. علاقه‌ما به فردوسی- معبد حماسه‌های کهن- نیز نام شکوه‌یاد او را بر سرلوحه انجمن کشید و انجمن ادبی فردوسی همان بزم ادبی باصفا و پرشوری بود که در سامان نگارنده به پا می‌گشت. دیگر انجمن دایر بود و با رونق گرم بود و گرم، همه می‌رفتیم، در هر فصلی و هرگونه‌ای که بود. [...] شکل قاطع حضور دوستان در انجمن یادکردنی است و ستودنی که از سبب‌های عمده بقا و استمرار انجمن شد که تا این هنگام نیز ادامه یافته



شنبه

۲۶ شهریور ۱۴۴۶

شماره ۳۸۸

۱۵

SHAHRA NEWS.IR



تاریخ و هویت